

ترجمہ

جواهر الکلام

ورشکستگی

تألیف استاد فقہا شیخ محمد حسن نجفی

ترجمہ، شرح و توضیح

دکتر اکبر نایب زاده

عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی

سرشناسه	: صاحب جواهر، محمدحسن بن باقر ۱۲۰۰ - ۱۲۶۶ق.
عنوان قراردادی	: جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام. فارسی - عربی. برگزیده. شرح.
عنوان و نام پدیدآور	: ترجمه جواهرالکلام: ورشکستگی / محمدحسن نجفی: ترجمه و شرح و توضیح اکبر نایب‌زاده.
مشخصات نشر	: تهران: خرسندی، ۱۳۹۵ -
مشخصات ظاهری	: ۳۱۱ص.
شابک	: 978-600-114-554-4
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا
یادداشت	: عربی - فارسی / کتابنامه.
یادداشت	: محقق حلی، جعفر بن حسن، ۶۰۲-۶۷۶ق. شرایع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام - - نقد و تفسیر فقه جعفری - - قرن ۷ ق.
موضوع	: ورشکستگی (فقه)
شناسه افزوده	: نایب‌زاده، اکبر، ۱۳۲۴ - ، مترجم
شناسه افزوده	: محقق حلی، جعفر بن حسن، ۶۰۲ - ۶۷۶ ق. شرایع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام. برگزیده. شرح
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۹۵ ۴۲۳۶۸ ش ۳/م ۱۸۲/۳ BP
رده‌بندی دیویی	: ۲۹۷/۳۴۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۱۸۲۰۳۳



انتشارات خرسندی

تهران، خیابان انقلاب - خیابان فخر رازی - خیابان لبافی‌نژاد - نرسیده به خیابان دانشگاه -

پلاک ۱۷۴ واحد ۲

تلفن: ۵ - ۶۶۹۷۱۰۳۴ و ۶۶۹۵۵۱۴

فروشگاه شماره ۱: دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، تلفن: ۶۶۴۱۰۲۰۳

فروشگاه شماره ۲: میدان انقلاب، خ میری جاوید (اردیبهشت)، پلاک ۱۷۴، تلفن: ۶۶۷۵۵۹۱۰-۶۶۹۵۰۷۵۹

فروشگاه شماره ۳: خ انقلاب، نرسیده به میدان فردوسی، کوچه شهید براتی، دانشکده حقوق دانشگاه آزاد، طبقه

زیرین (قسمت کتابفروشی): ۶۶۷۵۵۹۱۰

پست الکترونیک: Khorsandy.pub@gmail.com

سایت اینترنتی: www.Khorsandypub.com

ترجمه جواهرالکلام: ورشکستگی

تألیف استاد فقها شیخ محمد حسن نجفی

ترجمه، شرح و توضیح: دکتر اکبر نایب‌زاده

صفحه‌آرایی: الهام پیدایی

چاپ اول: ۱۳۹۵ - شمارگان: ۵۰۰ جلد

قیمت: ۲۵۰۰۰۰ ریال

ISBN: 978-600-114-554-4

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۱۴-۵۵۴-۴

فهرست

- ۱- تعریف مفلس ۱۵
- ۲- تعریف فقها ۱۶
- ۳- تعریف مفلس در لغت ۱۷
- ۴- به محرز کردن تقفیس می گویند ۱۹
- ۵- نسبت میان معنی لغت و شرعی ۲۰
- ۶- شرایط حجر ۲۱
- ۷- شرط اول: دیونش نزر ساکن است شود ۲۱
- ۸- دیونش زیادتر از اموالش باشد ۲۲
- ۹- مطالباتش جزو اموالش محسوب می شود ۲۳
- ۱۰- شرط سوم دیونش حال باشد ۲۴
- ۱۱- طلبکاران حجر او را بخواهند ۲۵
- ۱۲- حاکم از پیش خود نمی تواند محجور کند ۲۶
- ۱۳- به درخواست خود نیز محجور نمی شود ۲۷
- ۱۴- روایات در مورد مفلس ۲۸
- ۱۵- مدیون حبس می شود ۲۹
- ۱۶- بهتر است حجر اعلام شود ۳۰
- در سه محور بحث خواهد شد
محور اول: منع از تصرف
- ۱۷- وقتی محجور شد ممنوع از تصرف می شود ۳۱
- ۱۸- از تصرفات غیرمالی ممنوع نیست ۳۲

- ۱۹- اموال جدید نیز داخل در حجر است ۳۳
- ۲۰- مفلس از وصیت و تدبیر ممنوع نیست ۳۴
- ۲۱- آیا حجر مفلس سلب اهلیت است یا نه؟ ۳۵
- ۲۲- اگر فضولی مطابق قاعده است ۳۶
- ۲۳- طلبکاران حق فسخ معاملات محجور را ندارند ۳۷
- ۲۴- اجازه طلبکاران کاشف است یا ناقل ۳۸
- ۲۵- اگر چنین را که معادل دین است به طلبکارش فروخت ۳۹
- ۲۶- اگر بعد از این معامله طلبکار دیگر پیدا شد ۴۰
- ۲۷- اگر مفلس مال را به شرط تصرف خرید ۴۱
- ۲۸- اگر مفلس به بدهی گناهانه اقرار کند ۴۲
- ۲۹- طلبکار جدید با طلبکاران شریکت می‌کند ۴۳
- ۳۰- اگر مفلس به معامله بعد از حجر اقرار کند ۴۴
- ۳۱- اگر مفلس به عین مالی در حق دیگر اقرار کند ۴۵
- ۳۲- اقرار به دین با اقرار به عین فرق دارد ۴۶
- ۳۳- خلاصه اقوال در این مسأله چهار قول است ۴۷
- ۳۴- باید مثل با قیمت آن را به مقرکده بدهد ۴۸
- ۳۵- اگر مفلس بگوید این مال مضاربه است ۴۹
- ۳۶- اگر مقرکده حاضر اقرار او را تکذیب کرد ۵۰
- ۳۷- اگر در معامله‌ای خیار دارد و مفلس شد ۵۱
- ۳۸- در فسخ و عدم فسخ مصلحت طلبکاران را رعایت می‌کند ۵۲
- ۳۹- هیچ خیاری مقید به رعایت یا عدم رعایت مصلحت نیست ۵۳
- ۴۰- فرق میان این خیار و خیارات دیگر ۵۴
- ۴۱- در خیار عیب بدون ارزش ۵۵
- ۴۲- اگر مفلس به‌طور متزلزل مالک است ۵۶

- ۴۳- طلبکار هم به طور متزلزل حق دارد ۵۶
- ۴۴- اگر مفلس کمتر از طلب خود را گرفت ۵۷
- ۴۵- طلبکاران حق دارند طلب مفلس را یکجا بگیرند ۵۸
- ۴۶- مفلس را از آمیزش با کنیزش منع نمی کنند ۵۹
- ۴۷- اگر پس از حجر کسی به او قرض داد ۶۰
- ۴۸- اگر کسی پس از حجر چیزی به او فروخت ۶۱
- ۴۹- اگر پس از حجر مالی را تلف کرد ۶۲
- ۵۰- اگر پس از حجر به مالی اقرار کرد و سپس معلوم نبود ۶۳
- ۵۱- اگر مقام و زسر بودن دین از حجر معلوم نبود ۶۴
- ۵۲- اگر تاریخ یکی معلوم بود ۶۵
- ۵۳- با فوت دیون حال می شود ۶۶
- ۵۴- پیش فروش و سایر دیرت فروش سارده ۶۶
- ۵۵- دیه جنایات هم حال می شود ۶۷
- محور دوم: اختصاص طلبکار به عین مال خود
- ۵۶- هر طلبکاری مال خود را یافت ۶۸
- ۵۷- نظر مخالف شیخ ۶۹
- ۵۸- روایتی در این مورد ۷۰
- ۵۹- طلبکاران میت چنین حقی ندارند ۷۱
- ۶۰- نظر مخالف ابن جنید ۷۲
- ۶۱- دلیل ابن جنید این است که با فوت مفلس ۷۳
- ۶۲- خیار افلاس ساقط شده است ۷۳
- ۶۳- دلیل شیخ جمع روایات است ۷۴
- ۶۵- آیا خیار افلاس فوری است یا نه ۷۶
- ۶۶- به عقیده محقق فوری نیست ۷۷

- ۶۷- شرط اخذ عین حال بودن دین است ۷۸
- ۶۸- در غیر معاوضات اخذ عین نیست ۷۹
- ۶۹- زوجه بابت مهر و مرد به خاطر عوض خلع نمی تواند آن را فسخ کند ۸۰
- ۷۰- اگر عین از ملک مفلس منتقل و دوباره برگشته است ۸۱
- ۷۱- اگر عین نزد مفلس ناقص شده است ۸۲
- ۷۲- بعضی از آن موجود و بعضی از بین رفته است ۸۳
- ۷۳- ایراد کتبی بر علامه ۸۴
- ۷۴- بنابراین یا کل معامله را فسخ می کند یا نمی کند ۸۵
- ۷۵- پاسخ صاحب جواهر از کرکی ۸۶
- ۷۶- اگر عین معیوب شده باشد ۸۷
- ۷۷- اگر عیب از سوی خدای برسد ۸۸
- ۷۸- فروشنده نمی تواند ارزش بگیرد ۸۹
- ۷۹- چون عین برای خریدار مضمونه نیست ۹۰
- ۸۰- قاعده التلف ممن لاخیار له شامل این جا نیست ۹۱
- ۸۱- اگر عین نزد مفلس زیاد شده است ۹۲
- ۸۲- آیا ارزش، ارزش معاوضات است یا ارزش جنایت ۹۳
- ۸۳- اگر فروشنده مقداری از ثمن را گرفته است ۹۴
- ۸۴- اگر عین نماء منفصل داشت ۹۵
- ۸۵- نماء متصل مال فروشنده است با تردید ۹۶
- ۸۶- اگر درخت خرما بخرد مفلس شود میوه های آن برسد ۹۷
- ۸۷- اگر دانه بخرد و آن را بکارد ۹۸
- ۸۸- اگر درخت خرما بفروشد و گل بدهد و فرسوده فسخ کند ۹۹
- ۸۹- مفلس حق دارد زراعتش را تا رسیدن نگاه دارد ۱۰۰
- ۹۰- اگر اجاره کرده زمین را بکارد و مفلس شود ۱۰۱

- ۹۱- اگر سهمی را خریده مفلس شد شریک حق شفعه دارد ۱۰۲
- ۹۲- حق شفعه مقدم بر حق فروشنده است ۱۰۳
- ۹۳- اگر مقدم نبود باید میان آنها قرعه کشید ۱۰۴
- ۹۴- اگر مستأجر مفلس شد ۱۰۶
- ۹۵- اگر مفلس ایجاد اعیانی کرده است ۱۰۷
- ۹۶- اگر مورد اجاره بازگش بود ۱۰۸
- ۹۷- اگر مفلس راکب آن بود ۱۰۹
- ۹۸- اگر مصاحبت فروشنده با مصلحت مفلس متعارض بود ۱۱۰
- ۹۹- اگر زمینی خریده آن را کاشته و مفلس شد ۱۱۱
- ۱۰۰- برای باقیمانده فروشنده می تواند اجرت بگیرد ۱۱۲
- ۱۰۱- اگر نهال خرید و مفلس شد ۱۱۳
- ۱۰۲- فروشنده می تواند نهال را برد ۱۱۴
- ۱۰۳- اگر صاحب زمین راضی به فروش بود ۱۱۵
- ۱۰۴- اگر صاحب زمین راضی به فروش نبود ۱۱۶
- ۱۰۵- اگر زیتون خریده با زیتون بد مخلوط کرده است ۱۱۶
- ۱۰۶- زیتون مشترک را می فروشند ۱۱۷
- ۱۰۷- می تواند آن را قسمت کند ۱۱۸
- ۱۰۸- اگر فروختند به نسبت پول را تقسیم می کنند ۱۱۹
- ۱۰۹- اگر با بهتر از خود مخلوط شود ۱۲۰
- ۱۱۰- در این صورت باید بفروشند و پولش را قسمت کنند ۱۲۱
- ۱۱۱- اگر مفلس نخ را بیافد یا آرد را نان بپزد ۱۲۲
- ۱۱۲- فروشنده می تواند به عین خود رجوع کند ۱۲۳
- ۱۱۳- مازاد قیمت آن مال طلبکاران است ۱۲۳
- ۱۱۴- اگر قیمت آن زیاد نشده برای اجیر ضرری نیست ۱۲۵

- ۱۱۵- اگر لباس را رنگ کرد فروشنده رنگ با او به قیمت رنگ شریک می‌شود..... ۱۲۶
- ۱۱۶- اگر قیمت آن کمتر شد..... ۱۲۷
- ۱۱۷- اگر مفلس کاری روی آن انجام دهد..... ۱۲۸
- ۱۱۸- اگر چیزی را پیش فروش کرد سپس مفلس شد..... ۱۲۹
- ۱۱۹- گفته شده که خریدار میان فسخ و شرکت با طلبکاران مخیر است..... ۱۳۰
- ۱۲۰- اگر مفلس مثل آن مال را داشته باشد..... ۱۳۱
- ۱۲۱- شرکت با طلبکاران اقوی است..... ۱۳۲
- ۱۲۲- باب بیعیم او مثل حق او را خریده و به او می‌دهند..... ۱۳۳
- ۱۲۳- اگر کنیز را از او ولد کند سپس مفلس شد..... ۱۳۴
- ۱۲۴- اگر دیه گرفت در طلبکاران است..... ۱۳۵
- ۱۲۵- در عمد میان قصاص دیه مخیر است..... ۱۳۶
- ۱۲۶- اگر چیزی دارد کرایه می‌دهد..... ۱۳۷
- ۱۲۷- در دعوی مالی مفلس مجبور به قسم خوردن نیست..... ۱۳۸
- ۱۲۸- آیا طلبکاران به جای او می‌توانند قسم بخورند..... ۱۳۹
- ۱۲۹- ابن جنید گفته می‌توانند..... ۱۴۱
- ۱۳۰- راه درست برای قسم خوردن طلبکاران..... ۱۴۲
- ۱۳۱- وقتی مفلس مرد همه دیونش حال می‌شود..... ۱۴۳
- ۱۳۲- معسر را باید مهلت داد..... ۱۴۴
- ۱۳۳- روایات در این مورد..... ۱۴۵
- ۱۳۴- الزام او به کسب و کار صحیح نیست..... ۱۴۶
- ۱۳۵- سنی‌ها گفته‌اند باید کار کند..... ۱۴۷
- ۱۳۶- معنی آن کان دوعسرة..... ۱۴۸
- ۱۳۷- روایت دیگری است..... ۱۴۹
- ۱۳۸- اقوال فقهاء..... ۱۵۰

- ۱۳۹- وجوب کسب و کار برای پرداخت دین قوی است ۱۵۲
- ۱۴۰- وجوب از باب فهم عرفی از اطلاق روایات است ۱۵۳
- محور سوم: تقسیم مال مفلس
- ۱۴۱- بهتر است حاکم زود مبادرت به تقسیم کند ۱۵۵
- ۱۴۲- بهتر است هر چیزی را در بازاریش بفروشد ۱۵۶
- ۱۴۳- حضور طلبکاران در موقع فروش بهتر است ۱۵۷
- ۱۴۴- چیزی که فاسدشدنی است زودتر فروخته شود ۱۵۸
- ۱۴۵- اداء دین را می‌فروشند ۱۶۰
- ۱۴۶- فروشنده در مراد باید مورد قبول طلبکاران باشد ۱۶۱
- ۱۴۷- هزینه فروش از بیت‌المال اگر نبود از مال مفلس برداشته می‌شود ۱۶۳
- ۱۴۸- این هزینه‌ها مقدر بر حق مالکاران است ۱۶۴
- ۱۴۹- پرداخت دیون مفلس از بان ستم غارمین ۱۶۵
- ۱۵۰- بدون گرفتن ثمن مال مفلس را حواله خریدار نمی‌دهند ۱۶۶
- ۱۵۱- به کمتر از ثمن مثل نمی‌فروشند ۱۶۷
- ۱۵۲- اگر فروخته شد فوراً تقسیم می‌شود ۱۶۸
- ۱۵۳- اگر تقسیم نشد آن را در جای امنی می‌گذارند ۱۶۹
- ۱۵۴- در مورد مفلس اصلح را مراعات می‌کنند ۱۷۱
- ۱۵۵- وجوه حاصله با انتخاب حاکم به امین سپرده می‌شود ۱۷۲
- مستثنیات دین
- ۱۵۶- خانه مفلس را نمی‌فروشند ۱۷۳
- ۱۵۷- روایتی در این مورد ۱۷۴
- ۱۵۸- بیش از نیاز از خانه‌اش را می‌فروشند ۱۷۶
- ۱۵۹- پیشخدمت و سایر مایحتاج او را نیز نمی‌فروشند ۱۷۸
- ۱۶۰- نیاز برحسب اضطرار است یا برحسب شرف؟ ۱۷۹

- ۱۶۱- رعایت مستثنیات به قول ابن جنید مستحب است..... ۱۸۱
- ۱۶۲- آسیبی که سوار می‌شود نیز استثناء است..... ۱۸۲
- ۱۶۳- اردبیلی کتابها را هم جزو مستثنیات می‌داند..... ۱۸۴
- ۱۶۴- دلیل اخذ عین بر دلیل مستثنی حاکم است..... ۱۸۵
- ۱۶۵- اگر پس از فروش، مشتری با قیمت بالا پیدا شد..... ۱۸۶
- ۱۶۶- برای خریدار مال مفلس مستحب است اقاله کند..... ۱۸۷
- ۱۶۷- به مفلس نفقه خود و عیالش را برای روز تقسیم می‌دهند..... ۱۸۹
- ۱۶۸- نفقه با ادق بحال او و با رعایت قناعت می‌دهند..... ۱۹۰
- ۱۶۹- اگر در مسافرت اموال او را تقسیم کردند..... ۱۹۲
- ۱۷۰- اگر درآمدی داشته باشد بیزی برای او باقی نمی‌گذارند..... ۱۹۳
- ۱۷۱- اگر مفلس مرد کفن واجب را از مالش می‌دهند..... ۱۹۴
- ۱۷۲- روایتی در این مورد..... ۱۹۴
- ۱۷۳- مستثنیات را برای بجای آوردن حرمه مال می‌فروشند..... ۱۹۶
- ۱۷۴- اگر در معصیت بدهکار نشده دین او را امام بر اخت می‌کند..... ۱۹۷
- ۱۷۵- بهتر است در مطالبه بدهی مسامحه شود..... ۱۹۹
- سه سئله
- ۱۷۶- مسأله اول: پس از تقسیم طلبکار دیگر پیدا شود..... ۲۰۲
- ۱۷۷- آن تقسیم باطل بوده طلبکار جدید نیز در تقسیم شرکت می‌کند..... ۲۰۳
- ۱۷۸- تعلق دین بر اموال مانند رهن است یا مانند جنایت بر جانی است..... ۲۰۷
- ۱۷۹- نمره میان این دو قول..... ۲۰۸
- ۱۸۰- اگر عین مال طلبکار موجود است..... ۲۰۹
- ۱۸۱- اگر مالی را که فروخته‌اند مال دیگری بود..... ۲۱۲
- ۱۸۲- مسأله دوم = اگر مفلس دیون مدت دار داشته باشد..... ۲۱۴
- ۱۸۳- اگر قبل از تقسیم مدت آنها سررسید..... ۲۱۵

- ۱۸۴- اگر پس از تقسیم سر رسید..... ۲۱۵
- ۱۸۵- مسأله سوم: برده مفلس مرتکب جنایت شود..... ۲۱۷
- ۱۸۶- اگر مولایش نخواهد او را فک کند..... ۲۱۸
- ۱۸۷- اگر مفلس خود مرتکب جنایت شود..... ۲۱۹
- ۱۸۸- اگر مجنی علیه یا مفلس به دیه مصالحه کند..... ۲۲۰
- بحث در حبس مفلس**
- ۱۸۹- معسر را حبس نمی کنند..... ۲۲۲
- ۱۹۰- طریق اثبات اعسار..... ۲۲۳
- ۱۹۱- اگر اعسارش ثابت نشد و نپرداخت زندانی می شود..... ۲۲۴
- ۱۹۲- حاکم می تواند اموال او را بفروشد..... ۲۲۵
- ۱۹۳- اگر دعوی مالی بر دین اثبات اعسار حبس می شود..... ۲۲۶
- ۱۹۴- اگر کارگر یا کارمند در بینه می شود..... ۲۲۷
- ۱۹۵- اگر بینه بر تلف شدن اموال او نهادن داد..... ۲۲۸
- ۱۹۶- وقتی بینه اثبات است قسم لازم نیست..... ۲۲۹
- ۱۹۷- شهود اعسار باید مطلع از درون شخص باشد..... ۲۳۰
- ۱۹۸- با بینه منفی معسر باید قسم بخورد..... ۲۳۱
- ۱۹۹- علامه برعکس این را گفته است..... ۲۳۳
- ۲۰۰- توجیه مطلب و استدلال..... ۲۳۶
- ۲۰۱- اگر دعوی غیرمالی بود بینه برای اعسار لازم نیست..... ۲۴۲
- ۲۰۲- آیا با تقسیم، حجر مفلس از بین می رود؟..... ۲۴۴
- ۲۴۵- فهرست عمومی.....
- ۲۰۳- اسامی مقدس..... ۲۴۷
- ۲۰۴- آیات کریمه..... ۲۴۸
- ۲۰۵- روایات وارده..... ۲۴۹

۲۵۳.....	۲۰۶- اعلام.....
۲۵۷.....	۲۰۷- شرح مختصری بر اعلام.....
۲۸۵.....	۲۰۸- منابع.....
۲۸۹.....	۲۰۹- شرح مختصری بر منابع.....
۳۰۷.....	۲۱۰- کتاب‌هایی که در نوشتن تعلیقات استفاده شده است.....
۳۱۱.....	۲۱۱- پایان.....

www.ketab.ir